

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تحلیل محتوای کیفی

کتاب هدیه های آسمانی ششم ابتدایی

استاد اتابکی

دانشجو حسن ولی زاده

دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری شیراز

بهار ۱۴۰۰

بیان مسئله: بررسی اینکه در کتاب های درسی دوره ابتدایی تا چه اندازه به اصول دین و مولفه های آن توجه شده است؟

جامعه آماری : کتاب های درسی دوره ابتدایی

نمونه آماری : هدیه های آسمانی ششم ابتدایی

نمونه به صورت هدفمند انتخاب شده است.

هدفمند بودن نمونه به این معناست که ما با توجه به بیان مسئله ای که داشتیم یک منبع از کتاب های ابتدایی انتخاب کنیم که اطلاعات زیادی در این مورد به ما داده باشد.

واحد های معنایی چیست؟

به معانی گفته می شود که از کلمات، جملات و پاراگراف ها در ذهن خواننده ایجاد می شود.

در این تحلیل واحد معنایی پاراگراف است.

۱- جدول کدگذاری متن درس های کتاب فارسی سوم ابتدایی

شماره درس	نام درس	متن درس	کد گذاری
۱	یکتا	<p>آنگاه که شب درآمد و تاریکی آن بر جهان چیره شود، آنگاه که ستارهای بدرخشد و چشمها از دیدنش خیره شوند و آنگاه که تو را میستایم. هرگاه هرگاه به آسمان و زمین، به صخرهها و کوههای سنگین یا به درختان و گلهای رنگین مینگریم، تو را سپاس میگویم. ای خدای مهربان من! روح افزا نشانی از مهربانیت نسیم بادهای باران را گواه رحمت آسمانیات کوههای بزرگ، رودهای جاری و دریاها پهناور، نشان دانی تو را سپاس میگویم. که عطاهایت از سر مهربانی و نعمتهایت همگانی است. به تو ایمان دارم و از تو راه میجویم تنها از تو یاری میطلبم و به تو تکیه میکنم تو که در دوستی، بیهمانند در مهربانی، بیمانند در بخشش، بکتا و در لطف و نوازش، بیهمتایی تو که پدیدآورندهی آفریدگان و مالک زمین و آسمانی. از هر کس به من نزدیکتر و از هر دوستی با من آشناتری. ای خدای مهربان! بیناترین بینا، زیباترین زیبا، داناترین دانا، خدای یکتاخدای یگانه و بیهمتا. تو را اینگونه سپاس میگویم.</p>	<p>۱-سپاسگذاری خداوند ۲-بیان نعمت های خداوند ۳-بیان صفت های خداوند</p>
		<p>توحید یکی از اصول دینی و اعتقادی ما مسلمانان است. توحید یعنی خداوند یکتاست و جز او خدایی نیست. همه ی مسلمانان خدای یکتا را میپرستند؛ از دستورهای اطاعت میکنند و خواسته های خود را تنها به درگاه او میبرند. آنها هر روز در اذان، اقامه و نماز به یکتایی و یگانگی پروردگار شهادت میدهند و او را ستایش میکنند. خدایی که مهربانتری مهربانان، بخشندهرترین بخشندگان، داناترین دانایان و تواناترین قدرتمندان است؛ یکتا و یگانهای که هیچ مثل و مانندی ندارد.</p>	<p>۴-بیان اصل اول دین ۵-توحید در کار های روزمره ما</p>
۲	بهترین راهنمایان	<p>از مسیر اصلی میرویم؛ نه از بیراهه. مراقبیم در پرتگاه نیفتیم. اگر کسی از حرکت باز ماند، او را تنها نمیگذاریم و همه به او کمک میکنیم. تکروری نمیکنیم. همگی پشتسر راهنما حرکت میکنیم. به طبیعت آسیب نمیزنیم و از شتابزدگی پرهیز میکنیم آقای رحمتی نکات ضروری را پای کوه به گروه ما تذکر میدهد و حرکت را آغاز می کنیم. این هفته قرار است جلسه را بالای کوه نزدیک میکنیم.</p>	<p>۶- همکاری در کوهنوردی ۷-پرهیز از شتابزدگی</p>
		<p>«موضوع این جلسه ما «بهترین راهنمایان» است. خلیها ما را در زندگی یادمان باشد که راهنمایان اصلی و راهنمایی میکنند و به ما کمک میسازند؛ اما راهنمایان حقیقی ما کسانی هستند که خدای مهربان آنها را انتخاب کرده است. پیامبران و امامان بهترین راهنمایان ما هستند». بعد از این ، بچهها یکی یکی صحبت کردند:</p>	<p>۸- پیامبران بهترین راهنمایان</p>

<p>۹- ویژگی های پیامبران</p>	<p>- پیامبر کسی است که از سوی خدا انتخاب شده است. او «پیام» خدا را برای مردم می‌آورد و آنها را به پرستش خدای یگانه دعوت میکند. پیامبران از بین خود مردم انتخاب میشدند و زندگی آنان مثل همه ی مردم بود. کارهایی مانند چوپانی و کشاورزی انجام میدادند و برای خانوادهشان زحمت میکشیدند.</p> <p>- بعضی از پیامبران کتاب آسمانی داشتند؛ مثل تورات، انجیل و قرآن.</p> <p>- گاهی پیامبران برای اینکه ثابت کنند پیامبر هستند، از معجزه استفاده میکردند؛ یعنی کارهایی میکردند که مردم عادی نمیتوانستند آنها را انجام دهند. این معجزات، دلیل روشنی بود که نشان میداد آنها از سوی خدا فرستاده شده‌اند.</p>		
<p>۱۰- نبوت دومین اصل دین ۱۱- مبارزه پیامبران با ظلم و ستم</p>	<p>یکی دیگر از اصول دینی ما مسلمانان، نبوت است یعنی خداوند مهربان پیامبرانی را از میان انسانهای خوب و نیکوکار برگزید تا مردم را هدایت و راهنمایی کنند و آنان را با دستورهای الهی آشنا کنند. آنها انسانها را به خوبیها دعوت میکردند و از بدیها باز میداشتند؛ با ظلم ظالمان و ستمگران مبارزه میکردند و یار مظلومان و نیکوکاران بودند.</p>		
<p>۱۲- شجاعت حضرت قاسم (علیه السلام)</p>	<p>عصر عاشورا بود و سرزمین کربلا آماده ی ثبت حماسه ای دیگر! این بار نبوت که بود؟ گامهای استوار بود و قلبش بیقرار. نوجوانی چهارده ساله با چهرهای تماشایی که چون پاره ی ماه میدرخشید. آینه ی تمام نمای پدر بود. پدرش قهرمان جنگ های صفین و نهروان بود و او قهرمان کربلا کنار عمو آمد. چشمهایش گواهی میداد که حرف دلش چیست! نگاهی سرشار از تحسین به قامت قاسم انداخت؛ امام حسین علیه السلام علیه قطره ی اشکی بر گونه ی امام غلتید و بر زمین چکید. پس از اصرار فراوان، امام به او اجازه داد و قاسم را به سوی میدان جنگ بدرقه کرد؛ سپس دستها را برای دعا بالا برد و او را به خدا سپرد. شمشیر به دست و الله اکبرگویان بر دشمن تاخت و لرزه بر اندامشان انداخت.</p>	<p>سرور آزادگان</p>	<p>۳</p>
<p>۱۳- انکار دین خدا توسط ظالمان ۱۴- فساد خاندان معاویه</p>	<p>پس از اینکه حضرت محمد(صل الله علیه و آله) از سوی خداوند به پیامبری انتخاب شدند. ظالمان و ستمگرانی که حاضر نبودند دستور خدا را بپذیرند، تصمیم گرفتند. از هر راهی، دین اسلام را از بین ببرند؛ ام این دشمنان نتوانند به خواستههای خود برسند. السالم)، که جانشین پیامبر بود، بعد از پیامبر، معاویه به جنگ با امام علی (علیه السلام) نیز بالسالم)، فرزندش امام حسن (علیه برخواست. بعد از امام علی (علیه نقشه ی معاویه به شهادت رسید. در سال ۶۰ هجری قمری، معاویه از دنیا رفت و فرزندش یزید به حکومت رسید.</p>		

	<p>به نماز چندان اهمیت نمیداد و احکام دین یزید اهل کارهای زشت و ناپسند بود؛ خدا را رعایت نمیکرد. او آشکارا دین اسلام مسخره میکرد. فساد او در مردم نیز اثر گذاشته بود. یزید میخواست دین اسلام را ریشه کن کند و آن را نابود سازد.</p>		
<p>۱۵- قیام امام حسین در برابر یزید ۱۶- الگو گیری از قیام امام حسین</p>	<p>امام حسین علیه السلام در برابر یزید قیام کرد اما عده ی کمی او را همراهی کردند و او با همسر و فرزندان از شهر خارج شدند. پس از شهادت امام حسین مردم از خواب غفلت بیدار شدند و با الگوگیری از قیام امام حسین در برابر یزید قیام کردند.</p>		
<p>۱۷- بیان مفهوم امر به معروف و نهی از منکر ۱۸- عجله نکردن در کارها ۱۹- بدون اجازه وارد شدن به باغ</p>	<p>تابستان آمده است ... چند بچه بدون توجه از خانه ی خود دور میشوند و به سراغ ماجراجویی میروند. آنها داخل دیواری که بین برکها پنهان شده است، یک در کوچک میبینند. با تعجب به هم نگاه میکنند. گویی میخواهند بپرسند این در به کجا باز میشود ... و برای بازکردن در تلاش میکنند! مهدی و هادی، بازی خود را قطع و آنها را تماشا میکنند. بچه ها، زور بازویشان را به کار میگیرند و بالخره در با صدای جیغ ماندی باز میشود. هادی جلو میرود و به آنها می گوید: «بچهها ورود به این باغ ممنوع است ولی آنها بدون توجه به حرف هادی، وارد باغ میشوند. مهدی م باغ وارد آن بشوید آنها باز هم توجهی نمیکنند. آنجا یک باغ کوچک است؛ با دیوارهایی نسبتا هیچکسی آنجا نیست. مهدی دوباره از بیرون باغ با صدای بلند به آنها میگوید: «شما اجازه ندارید در آن باغ بازی کنید ... آنجا یک مکان خصوصی است.» آنها به گشت و گذار خود در باغ ادامه میدهند. تعجب به یکدیگر نگاه میکنند و می گویند: « آنها به تذکر ما توج مهدی و هادی با نمی کنند. چگونه آنها را متوجه خطایشان کنیم؟» بچهها در گوشه های از باغ یک دوچرخه پیدا میکنند؛ دوچرخه قدیمی و خراب است؛ ولی راه میرود. آنطرفتر یک نیمکت است و در کنارش درختی با انجیرهای رسیده. تمام اطراف پر از علف است و بوی گل های معطر همجا به مشام میرسد؛ گل های قرمز و زرد و ... بچه ها فریاد میزنند: «جانمی جان ... این باغ جای خوبی برای بازی است!» و شروع میکنند به خوردن انجیرها! آنها تعداد زیادی از گلها را زیر پا له میکنند! سپس چند نفری سوار دوچرخه میشوند و در حالی که با عجله، نزدیک به دیوار دور میزنند، فریاد میکنند: «این باغ ماست ... ناگهان صاحب باغ با ابرو های گره خورده از راه میرسد و بچه ها از درد به خود می پیچند.</p>	<p>باغ سری</p>	<p>۴</p>

۵	شتربان با ایمان	<p>خدا در قرآن، همه ی ما مسلمانان را برادر یکدیگر شمرده و به ما سفارش کرده محبت بورزیم و انسانهای باایمان و نیکوکار را دوست بداریم. همچنین از کسانی که با دین خدا و پیامبر او و اهل بیتش دشمنی میورزند، دوری و راه خود را از آنها جدا کنیم.</p>	<p>۲۰- دوستی با محبان خدا</p> <p>۲۱- دشمنی با دشمنان خدا</p>
		<p>«تولی» یعنی ما باید مؤمنان را که دوستان خدا هستند، دوست بداریم. تبری» به این معناست که ما باید کافران ستمکار را که دشمنان خدا هستند، دشمن بداریم و از آنها بیزاری بجویم؛ چنانکه حضرت ابراهیم وقتی فهمید سرپرست او بتپرست است و حاضر نیست از کار خود دست بردارد، از او بیزاری جست.</p>	<p>۲۲- تولی دوستی با دوستان هدا</p> <p>۲۳- تبری دشمنی با دشمنان خدا</p>
		<p>در کشور ما بعد از انقلاب اسلامی روز سیزده آبان، «روز ملی مبارزه با استکبار» نام گرفته است. در این روز همه ی مردم به ویژه دانش آموزان و دانشجویان، یکدل و یکصدا با شعارهایی مانند «مرگ بر آمریکا» و «مرگ بر اسرائیل» بیزاری خود را از دولتهای زورگو و ستمگر اعلام میکنند.</p>	<p>۲۴- اتحاد و یکرنگی جوامع مسلمان بعد از انقلاب اسلامی</p> <p>۲۵- انقلاب اسلامی به عنوان نمونه بارز مبارزه با زور گویی</p>
۶	سیمای خوبان	<p>اهل بیت علیه السلام پاکترین انسانها هستند آنها با رفتار نیک و دوری از کارهای زشت و ناپسند، پاک شده اند و میتوانند الگوی مسلمانان باشند. ز کارهای زشت و ناپسند، پاک شده اند و میتوانند الگوی مسلمانان باشند. ایشان در برخورد با مردم، بسیار مهربان و خوش اخلاق بودند. خطای دیگران را به راحتی میبخشیدند و آنان را سرزنش نمیکردند. با هیچکس مغرورانه سخن نمیگفتند و کسی را با لقبهای زشت و ناپسند صدا نمیزدند. اگر کسی نزد آنان به غیبت دیگران زبان میگشود، جلوی او را می گرفتند. با شوخیهای سالم و مفید، دیگران را شاد میکردند و میفرمودند هر کسی مؤمنی را شاد کند، خدا را خشنود آ به بهانهی شوخی، کسی را مسخره نمیکردند. به فکر دوستان و یاران کرده است خود بودند؛ اگر مسافر بودند، دعای ایشان بدرقهی راهشان بود و اگر بیمار بودند به عیادت آنان میرفتند و با سخنان دلگرمکننده به آنان امیدواری میدادند. ایشان همچنین دانشمندترین و</p>	<p>۲۶- اهل بیت علیه السلام به عنوان الگوی مسلمانان در همه ابعاد</p> <p>۲۷- بیان سیره امامان</p>

	<p>باایمانترین مردم زمان خود بودند، از هرگونه خطا و اشتباه به دور بودند و مردم را با آگاهی کامل از دستور دین، هدایت و راهنمایی میکردند. با ظالمان و ستمگران زمان خود مبارزه مینمودند و همگی در این راه تا پای جان ایستادگی میکردند.</p>		
<p>۲۸- معرفی اصل امامت به عنوان یکی از اصول اعتقادی</p>	<p>«امامت»، یکی دیگر از اصول اعتقادی ما است. ما معتقدیم که خداوند جانشینان پس از حضرت محمد صلی الله علیه و آله را نیز تعیین و معرفی کرده است. ایشان که دوازده نفرند، با عنوان «امام» شناخته میشوند. امام کسی است که به فرمان الهی و با آگاهی کامل از آموزه های دین، بعد از پیامبر، رهبری جامعه اسلامی را برعهده میگیرد. همه ی مسلمانان ایشان را به عنوان امام و رهبر خود پذیرفته اند و از دستور ایشان اطاعت میکنند.</p>		
<p>۲۹- مهربانی و توجه امام زمان به شیعیان خویش</p> <p>۳۰- ابراز علاقه نسبت به امام زمان</p>	<p>میگویم: «برای زیارت به حرم آقا و مولایم امام حسین علیه السلام میروم. چهره و نگاهش بیانکننده ی رضایت قلبی او از این کار است. چیزی نمیگوید؛ سکوتی معنادار حکمفرما شده است. در کنار یکدیگر به سمت حرم حرکت میکنیم. به دقت، حرکات و رفتارشان را نظاره میکنم. حالم دگرگون است. نمی دانم چه بگویم و چگونه بر این حالت خود مسلط شوم. سخنانی کوتاه بین من و او رد و بدل میشود. چقدر دوست دارم این گفتوگو ادامه پیدا کند. سوآلتی چند از آن بزرگوار میپرسم. با کمال حیرت، سوآلت را یک به یک و به آسانی هرچه تمامتر پاسخ میگوید. احساس میکنم با مرد فاضل و دانشمندی روبهرو هستم؛ لذا فرصت را غنیمت میشمرم و سوآلت دیگری که ذهنم را به خود مشغول کرده و تا آن زمان برای آنها جواب مناسبی نیافتهام، میپرسم. پرسشها و پاسخهای روشن در پی هم تا اینکه مسئلهای میپرسم و او پاسخی میدهد. به نظرم سند سخن را در کتاب و روایتی ندیدهام. یا مهربانی به من میفرماید: «هنگامی که به منزل بازگشتی فلان کتاب را باز کن، فلان صفحه و فالن سطر آن را بخوان.» ناگهان به خود میآیم و با خود میگویم، شاید این شخص که در کنارم میآید و چنین مطلع است مولای عزیزم صاحب الزمان عج الله فرجه باشد. برای اینکه واقعیت برآیم معلوم شود پرسیدم میتوانم حضرت صاحب الزمان را ببینم؟ در همین حال کمی به من نزدیکتر میشود و دستش را در دستم میگذارد و این جملهی بهیادماندنی را بر زبان میآورد که: چگونه او را نمی توان دید در حالی که دستانش در دست توستبا شنیدن این سخن بی اختیار از شدت شوق از حال میروم و بیهوش میشوم. وقتی به هوش میآیم با حیرت و شگفتی به اطراف مینگرم تا شاید روی زیبایی او را دوباره ببینم. مات</p>	<p>دست در دست دوست</p>	<p>۷</p>

دوران غیبت

و حیران مانده ام، دستی به سر و صورتم میکشم و دقیقتر به دور و بر خود نگاه میکنم اما کسی را نمیبینم. افسوس که او رفته است. باران اشک امانم نمیدهد. لحظهای چهره ی زیبایی او را فراموش نمیکنم. اینکه من ماندهام و حسرت دیدار دوباره.

خلیف هی عباسی به تمام جاسوسان و مأموران دستور داده بود تا همه جا را زیر نظر بگیرند و هر جا امام مهدی (علیه السلام) را دیدند، دستگیر کنند و به دربار بیاورند. جاسوسی، تعقیب، دستگیری، زندان، آزار و اذیت و به شهادت رساندن؛ اینها عادت و روش همیشگی خلفای عباسی در برابر امامان معصوم (علیهم السلام) بود. به ویژه از زمان امام کاظم (علیه السلام) به بعد که با شدت بیشتری این روش دنبال میشد. با همه ی این ستم ها باز به نتیجه نرسیده بودند و درخت سربلند امامت روز به روز بالنده تر و ثمربخش تر می شد و سایه ی گسترده اش سرپناهی امن برای اهل ایمان بود. دشمنان خدا قبل از تولد امام مهدی (علیه السلام) می خواستند از ولادت ایشان جلوگیری کنند ولی به لطف خدا نقشه ی آنها نقش بر آب شد. در دوران کودکی نیز نتوانستند به ایشان دسترسی پیدا کنند. بعد از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام)، امام مهدی (علیه السلام) امامو پیشوای مردم شد و خلیفه که از این رویداد بسیار ناراحت و پریشان شده بود، تمام نیروهای خویش را به کار گرفت تا هر چه سریع تر امام مهدی (علیه السلام) را دستگیر کند. امام مهدی (علیه السلام) به فرمان خداوند از دید مردم پنهان شد تا کسی نتواند به ایشان شروع شد. این غیبت، « دوران غیبت »، ایشان دسترسی پیدا کند. از این زمان غیبت کوتاه مدت یا غیبت صغری نامیده می شود که ۶۹ سال طول کشید. در این دوران، امام مهدی (علیه السلام) برای ارتباط با مردم، افراد خاصی را انتخاب کردند تا جانشین ایشان بین مردم باشند. جانشینان امام، که تعدادشان چهار نفر بود در طول این ۶۹ سال، یکی پس از دیگری به نوبت جانشین امام مهدی (علیه السلام) شدند. آنها انسا نهایی بسیار دانا، با ایمان و مورد اعتماد امام بودند و وظایف بسیار مهمی به عهده داشتند. آنها با گروه های مختلف مردم ارتباط برقرار میکردند. از مشکلات فردی و اجتماعی و نیز پرسشهای مختلفی که مردم دربار هی احکام و معارف دینی می کردند، آگاه می شدند. سپس آنها را به اطلاع امام مهدی (علیه السلام) می رساندند و توصیه هایی را که امام برای رفع مشکلات می

۳۱- اشاره زندگی
پر مشقت امام
زمان عج

۳۲- ضرورت
وجود نایبان امام
زمان و نقش آنان

	<p>کردند و پاسخ هایی را که در جواب پرسش ها داده بودند به گوش مردم می رساندند. بعد از این چهار نفر، امام مهدی (علیه السلام)، فرد خاصی را به عنوان جانشین معرفی نکردند. از آن زمان به بعد، دوران غیبت بلند مدّت امام یعنی غیبت کبریّ فرا رسید که تا همین امروز ادامه دارد.</p>		
<p>۳۳- بیان مفهوم ولی فقیه و وظایف ایشان در دوران غیبت</p>	<p>اگرچه امام مهدی (علیه السلام) در دوره ی غیبت کبریّ، فرد یا افراد خاصی را به عنوان جانشین خود معرفی نکردند، به مردم سفارش کردند که در این دوران به عالمان و فقیهان پرهیزکاری مراجعه کنند که با احکام و معارف دینی آشنایی کامل دارند. این عالمان پرهیزکار در زمان حاضر، مراجع تقلید دینی هستند که به عنوان جانشینان امام زمان (علیه السلام) شناخته م میشوند. ما برای آگاهی از احکام دین باید به آنها مراجعه، و از دستورهای آنان پیروی کنیم. البته رهبری جامعه ی اسلامی بر عهد هی یکی از ایشان است که به عنوان ولیّ فقیه شناخته م میشود. ولیّ فقیه با آگاهی کامل از دستورهای دینی و اوضاع اجتماعی و سیاسی، جامعه را اداره می کند. یکی از این جانشینان در روزگار ما، امام خمینی (رحمة الله علیه) بود. مردم ایران به رهبری این عالم و مرجع بزرگ دینی توانستند حکومت ضدّ مردمی و ضدّ دینی شاه را سرنگون کنند و جمهوری اسلامی را به وجود آورند. آنان چون امام خمینی (رحمة الله علیه) را جانشین امام زمان (علیه السلام) م بدانستند، از او پیروی میکردند.</p>		
<p>۳۴- زنده شدن پس از مرگ و ورود به زندگی جدید</p> <p>۳۵- تاثیر کار های نیک و بد در جهان پس از مرگ</p>	<p>قرآن کریم به این پرسش پاسخ می دهد و م یگوید مرگ پایان زندگی نیست و پس از مرگ به جهان جدیدی پا می گذاریم که خیلی بزرگ تر و شگفت انگیزتر از این جهان است. زندگی اصلی ما در آن جهان خواهد بود. زندگی دنیا، محدود است و روزی به پایان می رسد؛ اما زندگی در جهان آخرت، دائمی و همیشگی است. مردم در این دنیا فرصت دارند تا آخرت خود را آباد کنند. کسانی که ایمان بیاورند و کارهای نیک انجام دهند، برای همیشه در بهشت خواهند بود و کافران و مجرمان به آتش جهنم گرفتار خواهند شد.</p>	<p>جهان دیگر</p>	<p>۹</p>

<p>۳۶- معرفی معاد به عنوان یکی از اصول دین ۳۷- پایان ناپذیری زندگی پس از مرگ</p>	<p>اعتقاد به معاد و جهان آخرت، یکی دیگر از اصول دینی ما مسلمانان است. ما اعتقاد داریم که زندگی انسان با مرگ پایان نمی پذیرد و بعد از مرگ به جهان جدیدی پا می گذاریم. در آن جهان به حساب رفتار ما در این دنیا رسیدگی می شود. نیکوکاران در بهشت جای می گیرند و از نعمت های همیشگی پروردگار بهره مند می شوند.</p>		
<p>۳۸- نحوه معاشرت پیامبر با مردم ۳۹- آداب معاشرت در نزد پیامبر ۴۰- مهربانی و صمیمت نبی اکرم صلی الله علیه و آله</p>	<p>با هرکس روبهرو می شد، از بزرگ و کوچک، در سلام کردن بر آنها پیشی می گرفت. همیشه لبخند بر لب داشت؛ اما با صدای بلند نمی خندید. در کنار مردم می نشستو برای خود جای مخصوصی نداشت. خوش رو و خوش اخلاق بود و می فرمود: « خداوند کسی را که با ترش رویی با دیگران دیدار کند، دوست ندارد » هرکه با او سخن م یگفت، به سخنانش گوش م یداد تا سخنش پایان یابد. نزد ایشان همه به نوبت سخن میگفتند. هرگاه مهمانی برای وی می آمد، به احترام او از جا برمی خاست و چند قدمی به استقبالش می رفت. آنچه خواندیم، گوشه ای از آدابی بود که پیامبر در ارتباط با دیگران رعایت می کرد. چه خوب است که ما نیز سعی کنیم به پیروی از پیامبرمان در گفتار و رفتار خود با دیگران به خوبی عمل کنیم. به رفتارهایی که ما هنگام روبهرو شدن با دیگران و برای رعایت ادب در برابر آنها انجام می دهیم، آداب معاشرت می گویند. رعایت این آداب، نشان دهند هی احترامی است که ما به دیگران می گذاریم. درباره ی آداب معاشرت با دیگران، دستورهای زیادی در قرآن کریم هست. این دستورها هم درباره ی گفتار پسندیده و هم درباره ی رفتار پسندیده است. عمل کردن به این دستورهای ارزشمند، مهربانی و صمیمیت را افزایش می دهد.</p>	<p>آداب زندگی</p>	<p>۱۰</p>

<p>۴۱- پیامبر اسلام نمونه فرد سالم</p> <p>۴۲- تاکید اسلام بر تربیت بدنی و تفریحات سالم</p>	<p>دست و پای گوسفندی را که فرار کرده بود، گرفت و با یک حرکت بر دوش خود انداخت. به سمت گله حرکت کرد. مردی را دید که از صحرا می گذشت. مرد چهره یمهربانی داشت. چوپان نزدیک تر رفت. او را شناخت؛ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله)</p> <p>دیدی به چه « : بود. گوسفند را به آرامی از دوش خود پایین آورد و به پیامبر گفت آسانی این گوسفند را گرفتم و آوردم. زور من بسیار است و تاکنون کسی نتوانسته است در کشتی پشت مرا بر خاک زند. آیا حاضری با من کشتی بگیری؟ اگر پشت مرا «. بر زمین بزنی، این گوسفند را به شما هدیه می کنم پیامبر با لبخندی قبول کرد. هنوز چند دقیق های از شروع کشتی نگذشته بود که چوپان خود را نقش بر زمین دید. باورش نمی شد. از پیامبر خواست که یک بار دیگر با او کشتی بگیرد. مطمئن بود که این بار حتماً پیامبر را شکست م یدهد؛ اما این بار زودتر از قبل پشتش به خاک رسید. گیج و مبهوت مانده بود. به قول خود عمل کرد و گوسفند را به پیامبر هدیه داد. پیامبر از او تشکر کرد و گوسفند را به او باز گرداند. پیشوایان دین ما به سلامت و تندرستی خود توجه می کردند و به دیگران سفارش می کردند که تیراندازی، شنا، اسب سواری و حتی کشتی را که از ورزش های رایج آن زمان بود، یاد بگیرند. آنان گاهی در مسابقات اسب سواری و تیراندازی شرکت می کردند و به برندگان این مسابقات جایزه می دادند.</p>	
--	---	--

۴۳- احکام نماز در مسافرت

نزدیک ظهر به شهر خمین رسیدیم. امام خمینی در این شهر به دنیا آمده و دوران کودکی و نوجوانی اش را اینجا گذرانده بود. شما نماز ظهر و عصر را « : صدای اذان ظهر به گوش رسید. عمو رضا به من گفت. « چهار رکعتی بخوان؛ اما من و ابوذر باید دو رکعتی بخوانیم؟ » چرا « : تعجب کردم و گفتم ۲۲ / روستای شما نزدیک خمین است و فاصله ی آن تا خمین از ۵ « : عمو گفت کیلومتر کمتر است؛ بنابراین نماز شما شکسته نمی شود؛ اما فاصل هی روستای ما ۲۲ کیلومتر بیشتر است و نمازمان در اینجا شکسته است؛ یعنی باید / تا خمین از ۵ « نمازهای چهار رکعتی ظهر، عصر و عشا را دو رکعتی بخوانیم. سفر دوم ما به اراک بود. وقتی به آنجا رسیدیم، به حوز هی علمیه ی امام خمینی رفتیم و اتاق امام را پیدا کردیم. امام خمینی، مدتی در این اتاق زندگی کرده و در آن حوزه ی علمیه درس می خوانده است. هر سه باید نمازمان را شکسته بخوانیم؛ زیرا « : نزدیک ظهر که شد، عمو رضا گفت ۲۲ کیلومتر بیشتر است و قصد نداریم ده روز اینجا بمانیم.

۴۴- حکم روزه در مسافرت

ماه رمضان فرا رسیده بود. به عمو گفتم ۲۲ کیلو متر / رمضان بنویسیم؛ چون شنیده ام اگر در ماه رمضان مسافری بیش از ۵ درست « : عمو لیخندی زد و گفت . « از وطنش دور شود، روزه اش باطل می شود هم بستگی دارد. اگر قبل از اذان ظهر « مدت اقامت « و « زمان سفر « است؛ اما به حرکت کنیم، روز هی ما باطل م ی شود؛ اما اگر بعد از ظهر مسافرت کنیم، روز هی آنروز ما صحیح است. وقتی هم به مقصد رسیدیم، اگر قصد نداشته باشیم ده رو « آنجا بمانیم، نمی توانیم آنجا روزه بگیریم روز پنجشنبه بعد از نماز ظهر و عصر، هر سه به طرف شهر قم حرکت کردیم. ابتدا حضرت معصومه (سلام الله علیها) را زیارت کردیم و بعد برای تهیه ی گزارش به خانه

	<p>ی امام خمینی در این شهر رفتیم. حالا بگویید بینم نمازمان را « : نماز مغرب و عشا را در حرم خواندیم. عمو گفت: «چگونه باید بخوانیم نماز مغرب سه رکعتی است و هیچ وقت شکسته نمی شود؛ اما هر سه « : گفتیم. «نفرمان باید نماز عشا را شکسته بخوانیم.» آفرین! می بینم که احکام نماز مسافر را خوب یاد گرفته اید « : عمو گفت بعد از نماز افطار کردیم و شب به طرف خمین و روستاهایمان حرکت کردیم. سفر کوتاهی بود. ای کاش تا ظهر، قم می ماندیم و برای « : در راه به عمو گفتیم «! افطار به خمین بازمی گشتیم. خواهیم فردا را روزه بگیریم، باید حتماً تا قبل از ظهر « : عمو لبخندی زد و گفت به روستاهایمان برسیم؛ زیرا مسافری که قبل از ظهر به محلّ زندگی یاش برسد، « روزه اش درست است؛ اما اگر بعد از ظهر برسد، نمی تواند آن روز را روزه بگیرد اگر کسی به خاطر مسافرت نتوانست چند روز روزه بگیرد، باید چه کار « : پرسیدم «؟ کند بعد از ماه رمضان باید قضای آنها را به جا آورد؛ یعنی به تعداد روزهایی « : عمو گفت «. که روزه نگرفته است، روزه بگیرد.</p>	<p>راه تندرستی</p>	
<p>۴۵- آداب حج ۴۶- معرفی اعمال حج</p>	<p>هر ساله مسلمانان بسیاری از سراسر جهان برای زیارت خان هی خدا به مکه می روند. آنها پیش از ورود به مکه، لباس احرام م پوشند و با لباسی یکسان وارد مکه م بشوند؛ سپس داخل مسجدالحرام م بشوند و هفت بار دور خان هی خدا م بگردند. این عمل، نام دارد که از زمان حضرت ابراهیم به فرمان خداوند انجام می شده است. « طواف » بعد دو رکعت نماز م بخوانند و آن گاه مثل حضرت هاجر، هفت بار بین دو کوه صفا و مروه حرکت م یکنند. کسانی که برای انجام دادن مراسم حج به مکه م بروند، روز عید قربان به فرمان خدا گوسفندی را قربانی م یکنند. مراسم قربانی نیز از یادگارهای حضرت ابراهیم است؛ زیرا حضرت ابراهیم اولین کسی است که در این سرزمین، گوسفندی را به فرمان خدا قربانی کرد. بسیاری از کسانی هم که در مکه نیستند، در شهر خود گوسفندی را قربانی و گوشت آن را میان نیازمندان تقسیم می کنند. مراسم حج یکی از باشکوهترین مراسم مسلمانان است. این مراسم بزرگ و بی نظیر، فایده های زیادی برای مسلمانان جهان دارد.</p>	<p>سفره های برکت</p>	<p>۱۳</p>

<p>۴۷- مبارزه حضرت ابراهیم با بت پرستی</p> <p>۴۸- ساخت کعبه توسط حضرت ابراهیم علیه السلام</p>	<p>به شدت تشنه و بی تاب شده بود و مادرش در جست و جوی آب به این سو و آن سو می دوید. کودک پایش را به زمین زد و ناگهان آب از زمین جوشید و چشم هی زمزم جاری شد. لیکن رضایت بر لب های خشک سرزمین خالی از گیاه مگه نقش بست و هاجر که برای یافتن آب، هفت بار بین دو کوه صفا و مروه دویده بود، شادمان و شتابان به سوی کودکش دوید. اسماعیل کم کم بزرگ شد و به سن جوانی رسید. حضرت ابراهیم با کمک فرزندش خان هی کعبه را تجدید بنا کرد. کعبه، نگین مسجدالحرام و شهر مگهش؛ خدایپرستان اطراف آن حلقه می زدند و خدای یکتا را پرستش می کردند. پس از حضرت ابراهیم، مردم کم کم به جای پرستش خدای یکتا بت پرست شدند. آنها بت های سنگی و چوبی ساختند و در کعبه گذاشتند. سال ها گذشت و سرانجام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، که از نسل حضرت ابراهیم (علیه السلام) بود، در شهر مگه به دنیا آمد. حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) از سوی خدای بزرگ به پیامبری رسید و برای راهنمایی مردم انتخاب شد. او به فرمان خدای مهربان با بت پرستی مبارزه کرد و با کمک یارانش، تمام بت های سرزمین مگه را نابود کرد. مگه مثل زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) سرزمین خدایپرستان شد.</p>		
<p>۴۹- تلاش و امید واری در کارها</p>	<p>چه خط بدی! خیلی خراب است! دوباره بنویسم. این بار با دقت بیشتری شروع به نوشتن کرد و همان دو بیت را نوشت؛ اما باز هم نه! نم یوانم! اصلاً من در « : خوب نشد. وسایلم را کنار گذاشت و با ناامیدی گفت. « خوش نویسی موفق نمی شوم. بهتر است آن را کنار بگذارم این قلم نی جنسش خوب نیست و درست تراشیده نشده است. « : مادرش گفت کاغذت هم مرغوب نیست و جوهر روی آن پخش م یشود. اگر م یخواهی خوش نویس شوی، باید ابزار مناسب این کار را داشته باشی. بدون مداد رنگی مناسب می توان نقاشی زیبا کشید؟ بدون کفش مناسب می توان کوهنوردی کرد « در هر کاری اگر م یخواهی موفق شوی، باید ابزار مخصوص آن کار را فراهم کنی.</p>	<p>راز موفقیت</p>	<p>۱۴</p>

<p>۵۰- استاد خوب برای کسب موفقیت</p>	<p>کمال، قلم نی مناسب و کاغذ مخصوص خوش نویسی خرید. همین که به خانه رسید، وسایلش را جلوی گذاشت و شروع کرد به نوشتن. نوشت و نوشت و نوشت. چند تا کاغذ را سیاه کرد؛ اما باز هم خطش زیبا نشد. اخم هایش در هم رفت. این هم ابزار مخصوص خوشنویسی! پس چرا خطم خوب نشد؟! اصلاً من خوشنویس نمیشوم، بجهت خودم را به زحمت نیندازم! در کلاس خوشنویسی ثبت نام کرده ای: پدرش از او پرسید نه! خودم تمرین می‌کنم. باید استاد داشته باشی تا مهارت خوشنویسی را به تو بیاموزد. آیا بدون معلم ریاضی میتوان دانش ریاضی را یاد گرفت؟ بدون مربی شنا می‌توان شناگر حرفه‌ای شد؟ در هر کاری اگر می‌خواهی موفق شوی، باید استاد ماهر و باتجربه داشته باشی.</p>		
<p>۵۱- سعی و تلاش و صبر از مهم ترین ابزار رسیدن به موفقیت</p>	<p>کمال به کارش ادامه داد و مرتب روزی یک ساعت تمرین می‌کرد. خطش خیلی بهتر شد؛ اما باز از خط خودش راضی نبود. من از فردا به کلاس نمی‌روم. دو: پس از دو ماه از شروع کلاس به مادرش گفت: «ماهی است مشغول یادگیری و تمرین خط هستم؛ اما باز نمی‌توانم عالی بنویسم بعد از دو ماه تمرین انتظار داری استاد شوی؟ باید به: مادر لبخند زد و گفت تلاش ادامه بدهی و همچنین صبر و حوصله داشته باشی. هرگز از شکست‌ها و ناکامی‌ها نترس و ناامید نشو. همین استاد خوشنویسی تو بعد از چند سال تلاش و تمرین به این درجه رسیده است. در هر کاری اگر می‌خواهی موفق شوی، باید صبر داشته باشی، تلاش کنی و از شکست نترسی.»</p>		
<p>۵۲- مقام والای شهیدان و ارزش آنان در دفاع مقدس</p>	<p>به طرف حسینیه‌ی شهدای گمنام شلمچه به راه افتادیم. با ادب در برابر شهیدان گمنام ایستادیم و مثل شاگرد، گرداگرد آموزگاران ایمان و شهادت زانو زدیم. از این عزیزان هیچ نام و نشانی به دست نیامده است. اینها همه: «آقای شکیبا گفت: «چیزشان را تقدیم خدا کردند؛ حتی نام و نشانشان را دور تا دور حسینیه به تصویر و وصیت‌نامه‌ی شهیدان آراسته بود. شهدای دانش‌آموز، دانشجو، روحانی و... غرق تماشای تصاویر بودیم که احمد ما را صدا زد.»</p>	<p>حماسه آفرینان جاودان</p>	<p>۱۵</p>

<p>۵۳- اعتقاد عمیق شهادت به ولی فقیه و انقلاب اسلامی</p>	<p>همگی دور یکی از تابلوها جمع شدیم. نوشته ی روی تابلو، توجه ما را به خود جلب کرد: سلام ما را به امام خمینی برسانید. از قول ما به امام بگویید: همان طور که فرموده « ». بودید، مانند امام حسین (علیه السلام) مقاومت کردیم، ماندیم و تا آخر جنگیدیم این آخرین سخن آن بسیجی قهرمان قبل از شهادتش بود. از حسینیه بیرون آمدیم و چند لحظه در گوشه ای نشستیم. به آنچه دیده و خوانده بودیم، فکر می کردیم. شهدا پیرو راه امام حسین (علیه السلام) بودند و تا آخرین « : آقای شکیبا گفت: قطره ی خون خود از کشور اسلامی ما دفاع کردند. آنها پاداش زیادی پیش خدادارند.</p>		
<p>۵۴- اشتیاق زائران حرم های مطهر</p> <p>۵۵- ضرورت دانستن اطلاعات در مورد ائمه و خانواده های ایشان</p>	<p>زائران، با هر سن و سالی از چهار گوش هی حیات حرم داخل م یآمدند. شور و اشتیاق ویژه ی در چهره شان پیدا بود؛ درست مثل پرنده های مهاجر که به ساحل دریا می رسند. گنبد حرم مثل خورشید م بدرخشید و کبوتران، دور صحن و گنبد و گلدست ها پرواز میکردند. روی فرش های صحن نشسته بودیم. مرضیه که غرق تماشای حرم شده بود، گفت: «! اینجا چه قدر زیبا و با صفاست! به من که خیلی خوش گذشت «خانم مرتبی لبخند زد و گفت: وقتی انسان، مهمان بانوی بزرگواری مثل « حضرت معصومه (سلام الله علیها) باشد، معلوم « ». است که به او خوش می گذرد حضرت معصومه « : لیلا از خانم مرتبی پرسید: «؟ کیست لیلای سوال خوبی کرد. انسان « : خانم مرتبی گفت: نگاه به زیارت کسی می رود، خوب است در باره ی او شناخت داشته باشد. نام او فاطمه است و لقبش معصومه. بچه ها کسی می داند چرا به ایشان معصومه می گویند معصومه یعنی پاک ... به دلیل دوری از کارهای « : غزل گفت. « زشت و پرهیز از گناهان به این لقب مشهور شده است.</p>	<p>زیارت</p>	<p>۱۶</p>

<p>۵۶- معرفی شاهچراغ به عنوان شخصیت دینی برجسته</p> <p>۵۷- رابطه حضرت شاهچراغ علیه السلام با ائمه</p>	<p>شاهچراغ (علیه السلام) از دیگر فرزندان امام موسی کاظم (علیه السلام) است که حرم او در شهر شیراز قرار دارد. و برادر امام رضا (علیه السلام) و حضرت معصومه (سلام الله علیها) « احمد » نام او است. او مردی دانا بود و مسائل دینی را خیلی خوب برای مردم بیان می کرد. خطّ زیبایی داشت. قرآن کریم را با خطّ خوش می نوشت و در اختیار مردم می گذاشت. او بسیار بخشنده بود. زمین بزرگی داشت که آن را فروخت و پولش را به نیازمندان داد. ایشان نیز برای دیدن برادر گرام یاش امام رضا (علیه السلام) از مدینه به ایران آمد. نزدیک شیراز که رسید، حاکم فارس، که از دست نشانندگان مأمون، خلیفه ی ستمگر عبّاسی و از دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) بود، سپاهی را آماده کرد و در برابر احمد و یارانش ایستاد. به زودی نبردی نابرابر شروع شد. احمد و یاران با شهامتش با اینکه کم بودند، با شجاعت بسیار جنگیدند و سرانجام پس از نبردی طولانی به شهادت رسیدند و روح بلندشان به آسمان پر کشید.</p>	
---	--	--

دانش آموز نمونه کسی است که برنامه ریزی می کند و از فرصت هایش بیشترین استفاده را می برد. وقت خود را تلف نمی کند و به جای تماشای تلویزیون درس می خواند؛ حتی هنگام زنگ تفریح هم مشغول کتاب خواندن است.

دانش آموز نمونه کسی است که منظم باشد. هنگامی که با هم کلاسی هایش قرار می گذارد، بدقولی نمی کند. به موقع به مدرسه می رود و پیش از معلم وارد کلاس می شود. وقتی مدرسه تعطیل شد، به موقع به خانه برمی گردد. دانش آموز نمونه کسی است که با ادب است و به همه احترام می گذارد؛ « پدر و مادر، معلم، همسایه ها و بزرگ تر ها. دانش آموز نمونه کسی است که خجالتی نیست. بدون ترس و نگرانی، هر سوالی دارد، با معلم در میان می گذارد. حواسش را خوب جمع می کند تا درس را بفهمد و اگر نکته ای را نفهمید، به معلم می گوید تا برایش توضیح دهد. مهربان و دلسوز است و در درس ها به دوستانش کمک می کند. از وسایل خود به خوبی استفاده می کند و آنها را بدون جهت دور نمی ریزد. او همچنین حق دیگران را رعایت و از کارهایی مثل تقلب خودداری می کند؛ زیرا م ی داند تقلب باعث می شود حق دانش آموزانی که زحمت کشیده اند، پایمال شود.

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:
فرصت ها مانند ابر (به سرعت) می گذرند، از فرصت ها به خوبی استفاده کنید.

امام سجاد علیه السلام: حق کسی که به تو علم می آموزد، « این است که احترامش را نگه داری، در حضور او با دیگران. سخن نگویی و به سخنانش گوش فرا دهی.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله
« پرسش، کلید گنجینه ی دانش است »
« (: امام خمینی) رحمة الله علیه: امیدوارم خداوند به شما عزیزان که کودکانی با محبت هستید، توفیق در تحصیل علم و اخلاق مرحمت فرماید.

۵۸- بیان آداب
علم جویی
و دانش آموزی

۵۹- توجه به آداب
علم جویی و دانش
آموزی

۶۰- آداب علم
جویی از نظر
ائمه و بزرگان
دین

۶۱- اهمیت علم و
دانش از نظر
بزرگان دین

--	--	--	--

--	--	--	--

۲- جدول مقوله بندی

مضامین	مقوله	عنوان کد
<p style="text-align: center;">اصول دین (توحید عدل نبوت امامت معاد)</p>	<p style="text-align: center;">معرفی اجزای اصول دین</p>	<p>۴- بیان اصل اول دین ۵- توحید در کار های روزمره ما ۱۰- نبوت دومین اصل دین ۲۸- معرفی اصل امامت به عنوان یکی از اصول اعتقادی ۳۶- معرفی معاد به عنوان یکی از اصول دین</p>
	<p style="text-align: center;">مبارزه اسلام با طالمان</p>	<p>۱۱- مبارزه پیامبران با ظلم و ستم ۲۱- دشمنی با دشمنان خدا ۲۳- تبری دشمنی با دشمنان خدا ۲۵- انقلاب اسلامی به عنوان نمونه بارز مبارزه با زور گویی ۴۷- مبارزه حضرت ابراهیم با بت پرستی ۱۲- شجاعت حضرت قاسم (علیه السلام)</p>
	<p style="text-align: center;">سیره پیامبران</p>	<p>۸- پیامبران بهترین راهنمایان ۹- ویژگی های پیامبران ۳۸- نحوه معاشرت پیامبر با مردم ۳۹- آداب معاشرت در نزد پیامبر ۴۰- مهربانی و صمیمیت نبی اکرم صلی الله علیه و آله ۴۱- پیامبر اسلام نمونه فرد سالم</p>

	<p>۴۸- ساخت کعبه توسط حضرت ابراهیم علیه اسلام</p> <p>۱۳-انکار دین خدا توسط ظالمان</p> <p>۱۴-فساد خاندان معاویه</p> <p>۱۵-قیام امام حسین در برابر یزید</p> <p>۱۶- الگو گیری از قیام امام حسین</p> <p>۱۷- بیان مفهوم امر به معروف و نهی از منکر</p> <p>۲۶- اهل بیت علیه السلام به عنوان الگوی مسلمانان در همه ابعاد</p> <p>۲۷-بیان سیره امامان</p>	<p>۳۴-زنده شدن پس از مرگ و ورود به زندگی جدید</p> <p>۳۵- تاثیر کار های نیک و بد در جهان پس از مرگ</p> <p>۳۷-پایان ناپذیری زندگی پس از مرگ</p>
<p>دستیابی به موفقیت با علم و تلاش</p>	<p>راه های رسیدن به موفقیت</p>	<p>۶- همکاری در کوهنوردی</p> <p>۷-پرهیز از شتابزدگی</p> <p>۱۸-عجله نکردن در کارها</p> <p>۴۹- تلاش و امید واری در کارها</p> <p>۵۱- سعی و تلاش و صبر از مهم ترین ابزار رسیدن به موفقیت</p> <p>۵۸-بیان آداب علم جویی و دانش آموزی</p> <p>۴۲-تاکید اسلام بر تربیت بدنی و تفریحات سالم</p> <p>۵۹-توجه به آداب</p>

		<p>علم جویی و دانش آموزی</p> <p>۶۰-آداب علم جویی از نظر ائمه و بزرگان دین</p> <p>۶۱- اهمیت علم و دانش از نظر بزرگان دین</p> <p>۵۸- بیان آداب علم جویی و دانش آموزی</p> <p>۵۹- توجه به آداب علم جویی و دانش آموزی</p>
<p>صاحب زندگی الزمان عج و عصر غیبت</p>	<p>سیره امام زمان عج</p>	<p>۲۹-مهربانی و توجه امام زمان به شیعیان خویش</p> <p>۳۰-ابراز علاقه نسبت به امام زمان</p> <p>۳۱- اشاره زندگی پر مشقت امام زمان عج</p> <p>۳۲-ضرورت وجود نایبان امام زمان و نقش آنان</p> <p>۳۳-بیان مفهوم ولی فقیه و وظایف ایشان در دوران غیبت</p>
<p>اطرافیان ائمه و راه های رسیدن به خدا</p>	<p>بستگان ائمه</p> <p>اعمال نماز روزه و حج</p> <p>ارتباط با خدا</p>	<p>۱۲-شجاعت حضرت قاسم(علیه السلام)</p> <p>۵۶-معرفی شاهچراغ به عنوان شخصیت دینی برجسته</p> <p>۵۷-رابطه حضرت شاهچراغ علیه السلام با ائمه</p> <p>۴۳-احکام نماز در مسافرت</p> <p>۴۴- حکم روزه در مسافرت</p> <p>۴۵- آداب حج</p> <p>۴۶-معرفی اعمال حج</p> <p>۱-سپاسگذاری خداوند</p> <p>۲-بیان نعمت های خداوند</p> <p>۳-بیان صفت های خداوند</p> <p>۲۰-دوستی با محبان خدا</p> <p>۲۱- دشمنی با دشمنان خدا</p>

	<p style="text-align: center;">شهادت و انقلاب اسلامی</p>	<p>۵۲- مقام والای شهیدان و ارزش آنان در دفاع مقدس ۵۳- اعتقاد عمیق شهدا به ولی فقیه و انقلاب اسلامی ۲۴- اتحاد و یکرنگی جوامع مسلمان بعد از انقلاب اسلامی</p>
--	--	---

جمع بندی : با توجه به نتایج به دست آمده از جدول شماره ۱ تعداد
۶۱ کد به دست آمد و با توجه به جدول شماره ۲ این کد ها مقوله
بندی شد.

پیشنهادهات:

-کاربردی : با توجه به جدول شماره ۲ متوجه می شویم که کتاب
هدیه های آسمانی پایه ششم به طور مستقل به عدالت به عنوان
یکی از اصول دین توجه نشده است و باید حتما اضافه گردد.